



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در وقف مسلمان بر کافر بود، امام رضوان الله علیه اینطور فرمودند: «مسألة ۳۸ - الظاهر صحة الوقف على الذمي والمترد لا عن فطرة (يعني مرتد ملی) سيما إذا كان رحما، وأما الكافر الحربي والمترد عن فطرة فمحل تأمل»^۱.

دیروز دلائل کسانی که قائل به جواز وقف بر کافر ذمی عدم جواز وقف بر کافر حربی بودند را از جامع المقاصد نقل کردیم دقیقاً عین همین استدلالات در تذکره علامه نیز وجود دارد ایشان اینطور فرموده: «مسألة: اختلف علماءنا في صحة وقف المسلم على الذمي فقال بعضهم يجوز مطلقاً وهو الأقوى لقوله صلى الله عليه وآله: "لا يهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجكم من دياركم ان تبرهوا وتقسطوا إليهم" وقال عليه السلام: "على كل كبد حري اجر" دل على جواز الصدقة والوقف نوع منها وبه قال الشافعي، وقال بعضهم لا يجوز الا ان يكونوا أقارب الواقف لان الوقف عليهم يقتضي مودتهم وقد نهي عنها في قوله تعالى: "لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله" وانما يجوز على القريب لما فيه من صلة الرحم ولما روي أن صفية (ابنته حتى)؟ زوج رسول الله صلى الله عليه وآله وفتت على أخ لها يهودي والحجة انما هو في تقرير النبي صلى الله عليه وآله ولم يثبت، وقال آخرون لا تجوز الوقف على الذمي الا ان يكون أحد الأبوين لما فيه من البر بالأبوين وقد قال تعالى: "وصاحبهما في الدنيا معروفا" وقال بعضهم لا يجوز لقوله تعالى: "ولو كانوا آبائهم أو آبائهم أو اخوانهم أو عشيقتهم" نهي عن مودة الكافرون وإن كان أباً»^۲.

"به نظر ما تمام این ادله ای که تا به حالا ذکر کردیم مخدوش می باشند" زیرا اولاً ذکر شده وقف نوعی مودت به کفار است و مودت به کفار نیز در قرآن منهی عنه است لذا وقف منهی عنه می باشد و نهی در معامله نیز موجب فساد است، ما عرض می کنیم که اینطور نیست زیرا دلیل أخص از مدعی می باشد چراکه وقف همیشه

مودت نیست بلکه گاهی خدمت به بشریت است و یا گاهی مولفه قلوبهم است مثلاً چیزی را وقف بر کفار می کند برای رفع بدبینی آنها، گردشگرانی از کفار به مملکت ما می آیند درحالی که در کشور خودشان خیلی از ما برای آنها بدگوئی شده حالا اگر مکانی وقف شود تا وقتی گردشگران می آیند چند شب در آنجا بمانند و از آنها پذیرائی کنند خب آنها نیز وقتی بر می گردند به ممالک خودشان می گویند که مسلمانان آنطور که شما می گوئید نیستند بنابراین وقف همیشه مودت نیست و اغراض دیگری نیز دارد علی ای حال بیشتر دلائلی که آورده شده مخدوش است و تعجب از این است که در ابواب دیگر فقه خیلی با دقت دلائل مطرح و بحث شده اما در اینجا نوعاً ادله مخدوش هستند.

ثانیاً آیه شریفه که گفته "أن تبرهوا" در مقام بیان نیست که بگوئیم یکی از مصادیق "تبرهوا" وقف می باشد، مثلاً گفته شده "أقيموا الصلاة" اما نمی گوید هر نمازی بلکه نماز شرایط و موانعی دارد و یا مثلاً گفته شده "وآتوا الزكاة" این هم نمی گوید هر زکاتی بلکه با شرایطش، خلاصه گاهی متکلم در مقام بیان اصل قضیه می باشد که می گویند در مقام اهمال است مثل اینکه انسان در خیابان به یک طبیبی برخورد می کند و به او می گوید من فلان بیماری را دارم و طبیب به او می گوید باید دارو بخوری اما چه دوائی را باید بخوری دیگر نمی گوید ولی اگر همین مریض به مطب برود در مقام بیان قرار می گیرد و دارو را بخصوصه برای او می نویسد، و اما گاهی متکلم در مقام بیان است که در اصول خوانده ایم سه شرط دارد؛ اول اینکه متکلم در مقام بیان تمام مراد است و دوم اینکه قدر متیقن در مقام مخاطب وجود ندارد و سوم اینکه نصب قرینه برای فرد خاصی نکرده که در اینجا می گوئیم در مقام بیان است پس بنابراین در اینجا اطلاق نیاز است و این آیه اطلاق ندارد بلکه فقط دلالت دارد بر اینکه به کفار خوبی

^۱ تحریر الوسیله، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۷۱، مسئله ۳۸.

^۲ تذکره، علامه حلی، ج ۲، ص ۴۲۹، ط قدیم.

کنید و اما اینکه به چه شکلی و با چه شرایطی خوبی کنید دیگر در مقام بیان نیست لذا ما نمی توانیم وقف را یکی از اقسام خوبی بدانیم و به این آیه استدلال کنیم و بگوئیم که وقف بر کفار مطلقاً جایز است.

خب و اما در مورد روایتی که گفته: **"علی کل کبد حری اجر"** این در واقع می خواهد بگوید که اسلام دین رحم و عاطفه است لذا اگر بر کبد حری رسیدگی کند خوب است و اجر دارد اما دیگر در مقام بیان شکل و چگونگی این کار با شرایط و آداب و اقسامش نیست و ما نمی توانیم بگوئیم مشمول وقف نیز می شود.

ثالثاً اینکه گفته شده اگر ذمی قریب الرحم باشد طبق آیه شریفه **"وصاحبهما فی الدنیا معروف"** می توان بر او وقف کرد درست نیست زیرا ظاهر آیه این است که با پدر و مادر آن طوری که در عرف مصاحبت و معروف محسوب می شود رفتار کنید مثل سلام و علیک و رفت و آمد و گاهی هدیه دادن و امثال ذلک اما استفاده ی صحت وقف از این آیه بسیار مشکل است زیرا آیه در مقام بیان از این جهت نیست و مرادش مطلق خوبی نمی باشد.

خب و اما در مورد وقف بر کافر حربی یک مشکلی وجود دارد که صاحب ریاض مطرح کرده ولی صاحب جواهر فرموده درست نیست **منتهی ظاهراً درست می باشد**، وقف یعنی اینکه مال از ملک من خارج می شود و در ملک دیگری وارد می شود و اصل مال دوام دارد و موقوف علیهم از منافع آن استفاده می کنند منتهی مشکل این است که کافر حربی اصلاً مالک نمی شود، صاحب جواهر در ادامه کلام مجمع البیان را نقل کرده که در تفسیر آیه شریفه **"أن تبروهم"** فرموده هم شامل کافر ذمی و هم شامل کافر حربی می شود و بعد به **"الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها"** نیز استدلال کرده و فرموده اگر نیت کرد به حربی بدهد نیز وقف صحیح است ولی این حرف درست نیست زیرا این روایت آن وقفی که اسلام تجویز کرده را می گوید یعنی اگر واقف بر اساس قوانین و مقررات اسلامی وقف کرد نیتش محترم است و طبق نیت واقف باید عمل شود

درحالی که وقف بر کافر حربی خلاف قوانین و مقررات و احکام اسلامی می باشد، و اما صاحب جواهر در آخر بحث کلامی را از صاحب ریاض نقل کرده که به نظر بنده کلام ریاض کلام خوبی است، ایشان می فرماید کافر حربی نسبت به مال خودش تزلزل وجود دارد لذا ما نمی توانیم مال خودمان را وقف کسی کنیم که نسبت به مال خودش دوام وجود ندارد و متزلزل می باشد ولی صاحب جواهر خیلی سخت به این کلام صاحب ریاض حمله کرده و فرموده از غرائب کلام است.

خب و اما نظر بنده این است که این ادله ای که بیان شده هیچکدام از نظر ما تمام نیست، در این مباحث یک جامعه ای بی سرپرست وبدون مدیر تصور شده که در این جامعه کافر حربی و ذمی و مسلمان و مرتد وجود دارد منتهی ما می گوئیم جامعه مدیر دارد و بر حسب ازمنه و امکان و مقتضیات زمان و مکان فرق مسئله می کند، دور افتادن از ولایت فقیه و مدیر جامعه اسلامی این مباحث را بوجود آورده خب شما فقهاء باید از این نیز بحث کنید که در جامعه ای که به این شکل است ما با کفار چگونه باید برخورد کنیم خب در این موارد باید تابع نظر ولی فقیه و مدیر جامعه اسلامی باشیم خب قطعاً در زمان پیغمبر و ائمه از آنها سوال می شده که من می خواهم وقف کنم چگونه وقف کنم آیا به کافر و یا مرتد وقف کنم یا نه، مسلماً می رفتند این مسائل را می پرسیدند فلذا خیلی خوب بود که فقهاء ما اینطور این بحث را مطرح می کردند که اولاً زمان و مکان و مقتضیات آن را در نظر می گرفتند و ثانیاً مدیر جامعه اسلامی را در نظر می گرفتند شاید زمانی وقف بر کافر ذمی خوب بوده اما بعدها مقتضیات زمان تغییر کرده و بد شده علی آئی حال به نظر بنده از جمله جاهائی که نقش مدیر جامعه اسلامی مشخص می شود همین جاست که مردم باید مراجعه کنند و بپرسند که چگونه مالشان را باید وقف کنند. بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین